

کمونیست می پرسد؛

در باره اعتراضات در کردستان عراق علیه فقر و بیکاری

صفحه ۳

صالح سرداری

جمهوری اسلامی عامل اصلی تجاوز و بیحقوقی!

صفحه ۴

ملکه عزتی

فاجعه پشت فاجعه

تاسیس سد کارون و نابودی زندگی مردم

صفحه ۶

سعید یگانه

"تحریم قند و شکر وارداتی!"

سیاستی غیر کارگری و ناسیونالیستی

صفحه ۷

سیاوش دانشور

تیراندازی به مردم محروم روستای ابوالفضل

بدنبال تلاش اول "بنیاد مستضعفان" و تهاجم برای تخریب و تخلیه این روستا در هفته گذشته، بالا رفتن گوشه کوچکی از پرده زمینخواری و حاشیه های رسانه ای آن، روز چهارشنبه پنجم شهریور، نیروی انتظامی مجدداً به روستا برای تخلیه اجباری آن حمله ور و با مقاومت ساکنان آن روبرو شد. نیروی انتظامی گاز اشک آور و گلوله ساچمه ای به سمت مردم معترض شلیک کرد که در جریان این حمله تعدادی از ساکنین از جمله کودکان زخمی شدند.



۵۵۸

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ شهریور ۱۳۹۹ - ۲۸ اوت ۲۰۲۰

اعتصاب خاموش،

ضرورت پلاتفرمی کارگری

ورود به اعتصاب مراکز کلیدی نفت و گاز و پالایشگاههای پتروشیمی و نیروگاه برق از تحولات مهم سیاسی کشور است. اعتصابی که کمتر از یکماه را پشت سر می گذارد اما سر و صدای لازم و درخور را ندارد. یک دلیل این اقدام خالی کردن فازها و پالایشگاهها و خوابگاهها و برگشت به محل زندگی کارگران در شهرها و شهرستانهای مختلف است. هوای گرم و مسئله کرونا نیز مزید بر علت شد. کارگران اعتصابی عمدتاً در محلهای کار حضور ندارند. اعتصاب خاموش است، صدائی ندارد، در عین اینکه نیروی قابل توجهی برای اعمال فشار است و نقش مهمی میتواند در سیاست سراسری و مبارزات کارگری ایفا کند، بسیار بسته و در سکوت عمل می کند.

خوشبختانه بخشهایی از کارگران تدریجاً به محل کار برمیگردند و تا آنجائی که مقدمات زندگی وجود دارد، اعتصاب و تجمع را در محل کار ادامه می دهند. در هفته های اخیر دو تا سه شرکت و پالایشگاه با وعده پیمانکاران بخشا سر کار برگشتند اما با خلف وعده روبرو شدند و مجدداً دست از کار کشیدند. همچنین چند پالایشگاه جدید در استانهای مختلف به اعتصاب پیوستند. اعتصاب مجموعاً در بیش

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اعتصاب خاموش،

### ضرورت پلاتفرمی کارگری ...

از پنجاه مرکز کارگری، بجز بخشهای محدودتر اداری و حراست که مشغول کار است، ادامه دارد اما چهارچوبی سراسری تر در هر مجموعه صنعتی برای خواستهای فوری و اساسی معین نشده است. آنجا هم مثل صنعت نفت که خواستها تا حدودی معین شده جامعه و بخشهای دیگر جنبش کارگری اطلاع دقیق از آن ندارد و همین از تاثیر اعتصاب می کاهد و امکان مانور و مانیپولاسیون حکومتی ها را بیشتر می کند.

کارگران اعتصابی چهار شرکت صنایع نفت و کمی بعدتر در پتروشیمی ها، چند خواست را مطرح کردند. از جمله اعتراض به معوق شدن حقوقها و خواست پرداخت منظم حقوق ها و مزایای مزدی، افزایش دستمزدها که در جاهای مختلف از ۹ الی ۱۲ میلیون تومان طرح شده است، اعتراض به عدم واریز کردن حق بیمه کارگران توسط کارفرمایان که خانواده های کارگری را برای استفاده از دکترا و دارو دچار مشکلات جدی کرده است. کارگران پالایشگاه نفت آبادان، پالایشگاه پارسیان، شرکت نفت سنگین قشم، پالایشگاه نفتی جفیر و کارگران پتروشیمی ها، خواهان لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی با برخورداری از حقوق و مزایای استخدام رسمی در شرکت مادر، اجرای طبقه بندی مشاغل و تامین ایمنی محیط کار هستند. علاوه براین خواستها که در ابتدای اعتصاب طرح شدند، خواست تشکیل سازمان مستقل کارگری نیز توسط کارگران طرح شده است. وزارت نفت و مدیران صنایع پتروشیمی علیرغم وعده هایی که برای بهبود شرایط کار میدهند، تاکنون کار خاصی انجام ندادند. تلاش کردند که با بکارگیری کارگران غیر ماهر اعتصاب را بشکنند اما نداشتن تخصص کافی مشکلاتی ایجاد کرد. پیشنهادی که پیمانکاران داده اند پذیرش اضافه حقوق دو میلیون تومان است. پیشنهاد پیمانکاران در پالایشگاه آبادان برای مزد هفت و نیم میلیونی حول همین حدود و بیشتر دور میزند.

خواستهای کارگران به افزایش دستمزد و مزایا محدود نمیشود. خواستهای دیگری از جمله استخدام رسمی توسط شرکتهای مادر به نفی شرکتهای پیمانی در پروسه انعقاد قرارداد و کار گره خورده است. خود شرکتهای پیمانی نیز گوشه ای از سازمان کار در بخش خصوصی است. کارگران خواهان کوتاه کردن دست شرکتهای پیمانی و قوانین برده وار آنها و لغو خصوصی سازی اند. خواستی که در بیشتر مراکز کارگری در فضای ناامنی شغلی بیش از پیش طرح می شود. دولت و وزارت نفت و وزارتخانه های مربوطه با این واقعیت روبرو شدند که نمی توانند هزاران شرکت پیمانی را جمع کنند و در عین حال نمی خواهند راساً تعهدی شغلی و استخدامی به کارگران بدهند. لذا بخشنامه ها و تذکرات نهادهای دولتی و وزارتخانه ها به شرکتهای پیمانی برای "رعایت قانون کار"، همان قانون کار ضد کارگری که مورد قبول کارگران نیست، به شوخی می ماند. عمده این

شرکتهای پیمانی توسط افراد و نزدیکان و در مواردی خود مدیران اصلی شرکتهای دایر شدند و هدف آن پرداختن مزد کمتر، عدم مسئولیت راجع به حقوق کارگر در قلمرو استخدام و اخراج و دستمزدها و سنوات و بیمه و غیره، تعدد کارفرماها در یک شرکت واحد و ممانعت از وحدت کارگران برای مسائل مشترک شان بوده است.

بسیاری از کارگران نفت سابقه کار ۵ الی ۹ سال دارند و هنوز قراردادی هستند. در پتروشیمی ها وضع بدتر است. سیال کردن شرایط کار و استخدام و قراردادهای و نفی هر نوع تعهد کارفرما در قبال کارگر، در سالهای اخیر مشقات فراوانی را به کارگران تحمیل کرده است.

اعتراض به قرارداد پیمانی و موقت یک خواست وسیع و سراسری است که در اعتراضات معلمان، پرستاران، کارگران صنایع مختلف هر روز طرح می شود. پیمانکارانی که در فضای بیکاری گسترده کنونی، عوامل و کارچاق کن هایشان در شرکتهایی حتی از کارگران پول گرفتند که استخدامشان کنند و شرایط وحشتناکی را به آنها تحمیل می کنند.

اعتصاب خاموش نفتی ها و پتروشیمی ها و نیروگاهها و جوشکاران، تاکنون مضرات جدی برای این اعتصاب مهم و بزرگ داشته است که بعضاً محدودیتهای عملی آن قابل درک است. اما در بسیاری از شرکتهای همینطور که در چند روز گذشته آغاز شده، میتوان در محل کار و مقابل ورودی شرکت اجتماع کرد، خواستها را مرکزی و مدون کرد، اطلاع رسانی کرد و نتیجه مذاکرات با پیمانکاران و وزارتخانه ها را اعلام کرد. در سطح محدودتر میتوان از سوشیال میدیا بهره جست و سانسور خبری حکومتی راجع به اعتصاب را شکست. پیروزی اعتصاب در گرو ایجاد یک وحدت کارگری و یک اهرم فشار واقعی است. اگر به این روش کار نکنیم، اعتصاب خاموش تدریجاً با توافقات محلی و جدا از هم و شرکتی خاتمه می یابد و به نتایج مورد نظر نمی رسد.

کارگران بجای طرح خواست رعایت حقوق سندیکائی و تشکل کارگری از سوی کارفرمایان، که خود امر مهمی است، در شرکت مجمع عمومی تشکیل دهند و کارگران در مورد خواستها و مسائل شان دستجمعی تصمیم بگیرند. این اعتصابات به پلاتفرمی کارگری برای بهبود رفاه و شرایط کار و استخدام و تقابل با شرکتهای پیمانی نیاز دارد. خواستهایی که کمابیش و بصورت پراکنده طرح شدند، در شکل مشخص تر میتواند در هر رشته و مجموعه توابع آن طرح شود. این کمک شایانی به مبارزه کارگری جاری در مراکز مختلف، ایجاد هم جهتی بیشتر در خواستههای کلیدی طبقه کارگر و در صحنه سیاسی می کند. اعتصاب خاموش مثل تیغ دولبه است و میتواند منفی هم عمل کند، اما ایجاد تحرکی در متن اعتصاب میتواند کمبودهای تاکنونی را جبران کند.

زنده باد رزم و اتحاد و اعتصاب کارگران!

سردبیر.

۲۷ اوت ۲۰۲۰



همه این اعتراضات و تظاهرات ها همانطوریکه در شعارها و سخنرانی ها و پلاکاردها دیده میشود، از عمق جامعه و اعتراضی طبقاتی است که کل سیستم و دولت اقلیم و احزاب شریک در قدرت را نشانه گرفته است. این خشم و اعتراض کارگران و زحمتکشان در خیابان ها و میدانی اصلی شهرها و مراکز کار

گسترش می یابد در حالی که اقلیت ناچیز سرمایه دار و دولتی ها روز به روز بیشتر به ثروت خود اضافه میکنند و جوابگوی کسی هم نیستند.

اگر دوره ای مردم کردستان عراق به این احزاب و دولت توهم داشتند و آن را "خودی" میدانستند، اکنون آشکارا از اعتماد خود به احزاب ناسیونالیست در قدرت پشیمان هستند. مردم کردستان فکر میکردند اکنون که صدام رفته، و این احزاب حاکم شده اند دنیا برایشان بهشت برین خواهد شد. اما اکنون همه دریافته اند که همین حکومت اقلیم چه زندگی سیاهی را بر آنها تحمیل کرده است.

اعتراضات اخیر با مطالبه بهبود در زندگی و علیه دولت و حاکمانی است که کل ثروت و سامان این جامعه را دزدیده اند. مردم میخواهند وضع زندگی شان بهتر شود، از امنیت و سرپناه و از ابتدائی ترین حقوق انسانی برخوردار باشند. اما متأسفانه با تمام برحق بودن و طبقاتی بودن این مبارزات و اعتراض ها هنوز نامتشکل و بی سازمان است.

کمونیسیت ها و حزب کمونیسیت کارگری کردستان عراق علیرغم تلاش و فعالیت هایشان هنوز آن اندازه قدرتمند نیستند که بتوانند این اعتراض و مبارزه را سازماندهی و رهبری کنند. در دور اخیر جریانی بنام (نسل جوان) که رهبریش دست یکی از بزرگترین سرمایه دارهای کردستان عراق است، میخواهد بر اعتراض و مبارزه مردم سوار و آن را بنفع خود مصادره کند.

اینجا در کردستان عراق هم مثل سایر کشورها و جوامعی که مبارزه در جریان است عدم حضور حزبی کمونیستی و قدرتمند مهمترین کمبود این میدان است و تا این حزب بوجود نیاید احزاب و نیروهای ارتجاعی و راست کماکان میتوانند خود را بر مردم کارگر و زحمتکش تحمیل کنند.

نکته ای که لازم است بدان اشاره کنم وجود بیش از سه دهه استقرار اردوگاهها و مقرات رهبری احزاب اپوزیسیون ایرانی در کردستان عراق است. این احزاب شاهد همه این بی عدالتی ها و فساد و فقر و فلاکت تحمیل شده به مردم کردستان عراق هستند ولی سکوت مطلق را پیشه کرده و لال شده اند.

مردم کردستان ایران باید برای آینده با هوشیاری کامل اوضاع را در نظر داشته باشند. تجربه قدرت گیری احزاب ناسیونالیست کردستان عراق نشان داد که برخلاف همه ادعاهای احزاب و جریانات ناسیونالیست هر وقت دست شان به قدرت برسد همان اوضاعی که بر مردم کردستان عراق آورده اند بر آنها هم تحمیل خواهند کرد. به سابقه قدرت گیری این احزاب در همه بخش های کردستان

## کمونیسیت می پرسد؛

### در باره اعتراضات در کردستان عراق

#### علیه فقر و بیکاری!

روزهای اخیر مجدداً کردستان عراق صحنه اعتراض علیه فقر و

بیکاری و مسائل حاد معیشتی شده است. مسؤل و بانی این وضعیت

فلاتنبار کیست؟ مردم دقیقاً چه می خواهند و چه می گویند؟

نیروهای سیاسی دخیل در این اعتراض چه میگویند و به نظر شما راه

پیشروی و تحقق خواستهای مردم کارگر و زحمتکش در این بحران

چیست؟

**صالح سرداری:** در جواب سؤال شما باید بگویم این اعتراضات و تظاهرات چند روز گذشته که اکثر شهرهای کردستان عراق را در بر گرفت تازگی ندارد. سال هاست که مردم کردستان بر اثر فقر و فلاکتی که به آنها تحمیل شده دست به مبارزه و اعتراض زده اند. بخصوص سال ها قبل که اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش همه خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت مردم کردستان عراق به خیابان ها آمدند و با برپایی تجمعات و تظاهرات هایی در میدانی اصلی شهرها خواستار مطالبات و حقوق خود شدند و حکومت اقلیم کردستان را به چالش کشیدند.

متأسفانه آن دوره جریانی به نام جنبش تغییر (گوران) که در اپوزیسیون بود در اوائل اعتراضات بر موج اعتراض و مبارزه بر حق مردم سوار شد و آن را به بیراهه برد.

در طی این چند سال نه تنها وضع زندگی مردم بهتر نشده، بلکه بیکاری افزایش یافته و مردم در سطح وسیعتر فقیر و فقیرتر شده اند.

دو حزب اصلی حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی و همچنین جنبش گوران و احزاب اسلامی که در حکومت هستند، همه ثروت و سامان آن جامعه را چپاییده و فساد دولتی و چپاول همه جای را در بر گرفته است.

این اوضاع نابسامان اقتصادی و فقر و فلاکت تحمیل شده بیاضافه اختلاف دولت اقلیم با دولت مرکزی عراق و دخالت دولت های سرکوبگر ایران و ترکیه، حضور داعش، مجموعه اینها مشکلات مردم را چند برابر کرده است.

از روزی که آمریکا و غرب رژیم صدام را ساقط و حکومتی را بر مبنای مذهب و ملیت و طایفه گری بر مردم عراق و کردستان تحمیل کرده اند، مردم روی امنیت و آسایش ندیده اند. اعتراضات و تظاهرات اخیر شهرهای کردستان عراق برای مقابله با اوضاع می باشد.

چند سال است که حقوق معلمین، کارمندان، پرستاران و پزشکان و حتی پلیس و نیروهای انتظامی را با تاخیر چند ماهه و یک سوم آن را پرداخت میکنند. اقتشار مختلف حقوق بگیر و بخصوص معلمان و کارمندان دولتی بارها و بارها دست به اعتصاب زده و سر کار نرفته اند.

## جمهوری اسلامی عامل اصلی

### تجاوز و بیحقوقی!

ملکه عزتی



روابط جنسی، از دلایل تعدی مرد علیه زن در يك رابطه نابرابر است و این بی حقوقی نتیجه ۴۰ سال حکومت مذهب بر زندگی آحاد جامعه و نابرابری بنیادی در این جامعه است.

دختران دانشجویی که توسط کیوان امام وردی مورد تجاوز قرار گرفتند امروز حرف میزنند، خبرنگارانی که توسط نمایندگان

مجلس و صاحبان قدرت و مناصب دولتی سالها قبل مورد تعدی و دست درازی جنسی قرار گرفته اند بالاخره حرف زدند، دیگرانی که در طول سالها با تابوی تعدی به جسم و جانشان روز و شب را به سر رسانده اند بالاخره امروز در سایه شریطی که در جامعه بوجود آمده، در سایه فضایی که جمهوری اسلامی تحت فشار هر روزه مردم معترض در خیابان و کارخانه قرار گرفته از کابوسی حرف میزنند که ۵ سال قبل حتی تصور آن به يك تصویر محال شبیه بود!

امروز با دهه ۶۰ و هراس هولناک زندانیان از تنها ماندن با بازجویان و حیواناتی که بعنوان نگهبان شبها پشت در سلول ها در حال قدم زدن بودند قابل مقایسه نیست. امروز در سایه اعتراضات هر روزه و شکسته شدن گام به گام سیمای مهیب قدرت مطلقه جمهوری دهشت و جنایت انسانها فریاد برمیآوردند و از شکسته شدن حریم شخصیشان در محل کار و آموزش و زندگی حرف میزنند و پرده برمیدارند. قربانیان تجاوز حاضر نیستند بیشتر از این سکوت کنند! جامعه هم برای شنیدن این صداها اعلام آمادگی کرده است. آن سبو بشکست و آن پیمانہ بریخت! امروز دیگر گستردگی زن ستیزی و آپارتاید جنسی چهره های واقعی خود را دارد. بعداز پرده برداشتن از چهره "فرهنگی و تحصیلکرده" تجاوز کیوان امام وردی در توپیر در اینستا گرام و در فضای مجازی زنان همدیگر را تشویق میکنند که به سکوت خود پایان دهند و از تجاوز و تعدی جنسی و روانی روزمره که زنان هدف اصلی آن هستند حرف بزنند و متجاوزین را به جامعه معرفی کنند. این حرکت و تصمیم این زنان در بازگویی تجربه تلخ و کابوس تجاوز و معرفی متجاوزین شایسته بیشترین حمایت از طرف جامعه و فعالین اجتماعی در همه عرصه هاست.

امروز جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن جدا از اعتراضات بازنشستگان و پرستاران و رانندگان کامیون و اعتصابات کارگری با جدال و چلنج دیگری روبرو شده اند، اعتراض و تلاش زنانی که نظاره گر سلب هویت و حقوق فردی و اجتماعی خود بوده اند اما دیگر نمیخواهند ساکت بمانند!

این عرصه و میدان جدیدی برای مبارزه و تلاش ۴۰ ساله زنان علیه جمهوری اسلامی برای احقاق حقوق خود و بسیار قابل حمایت است. مبارزه ای برای تغییرات بنیادی در سنتها و قوانین نانوخته اجتماعی است که زنان را در مقابل تجاوز مردان مسئول و خطا کار میدانسته، همزمان موج اعتراضی و افشاگری زنان برای به چالش کشیدن علنی حاکمیتی که حتی با نمایش دستگیری متجاوزین هم نمیتواند مدعی دروغین دفاع از زنان در مقابل آنان باشد. دستگیری و بازداشت امام وردی یا هر متجاوز دیگری نمیتواند خون زهرا و ریحانه و دیگر زنان و دخترانی را که قربانی تجاوز و تعدی شدند پاک کند. نگاه بیمارگونه در این حکومت به زنان و اساسا وجود جمهوری منحوس

این روزها خبر تجاوز به دختران دانشجو و شهامت زنان در بازگویی این مسئله به خیر داغ میدیای اجتماعی و رسانه ها تبدیل شده است. زنانی که در طول سالها به اشکال متفاوت از طرف مردان متجاوز مورد تعرض جنسی و کلامی و فیزیکی قرار گرفتند اگر شکایتی مطرح میکردند و پرونده ای میگشودند باید همزمان با زندگی عادی و روزانه وداع میکردند، کوس رسوایی زن مورد تجاوز قرار گرفته متأسفانه بسیار پرصدا تر از فرد متجاوز به صدا در می آمد. احساس عذاب و شرم زنان مورد تجاوز قرار گرفته را با بیشرمی متجاوزین مقایسه کنید تا به عمق این فاجعه پی ببرید! متجاوزین بعد از اقدام به این عمل زندگی عادی خود را دنبال کرده اند، در موقعیت اجتماعی و شغلی خود باقی مانده و به زندگی "خانوادگی" خود ادامه داده اند و در مقام و مناصبی که داشته اند همچنان صاحب قدرت و نفوذ مانده اند! در مقابل زنان با تصویر این فاجعه و اجبار به سکوت و لب فرو بستن هر روز با این کابوس زندگی کرده اند!

مقایسه کنید سنگینی کفه ترازو را در میزان ترس زنان از قضاوت جامعه، وحشت از مقصر شناخته شدن، ترس از قضاوت خانواده و اطرافیان و همزمان احساس قدرت متجاوزین در دست درازی و تجاوز در سایه یک حکومت زن ستیز، در جامعه ای اسلام زده که ۴۰ سال است با دروغ و شارلاتانی مطلق مدعیست که زنان با حفظ حجاب از تعدی و تجاوز محفوظ خواهند ماند! دروغ بزرگ حرمت و مقام زن در اسلام که جمهوری اسلامی هر روزه برای حفظ حاکمیتش به خورد جامعه میدهد و ۴۰ سال تعرض حقوقی، جسمی و جنسی زنان در سایه قوانین ضد زن امروز در افشای پرونده این تجاوزها بیشتر از همیشه رسوا و افشا شده است.

سارا امت علی، حرکت چندی آور و شنیع آیدین آغداشلو "ایکون" هنری جامعه فرهنگی را در خارج از کشور افشا میکند و دختران دانشجو در داخل ایران کیوان امام وردی را افشا میکنند. اما همه آنهایی که در مترو، در اتوبوس، در محل کار و خانه و خیابان، با آزار جنسی و متلک و ... به حریم زن تجاوز میکنند را چگونه باید افشا کرد؟

تجاوز بعنوان يك پدیده شنیع و سلب اختیار و اراده از قربانیان آن چه زن و چه مرد مختص يك جامعه معین یا يك کشور خاص نیست، اما آنچه که در ایران تحت حاکمیت مذهب و سرمایه اتفاق میفتد حاصل ۴۰ سال سرکوب و اختناق و اشاعه فرهنگی بیمار، عقب مانده و ضد زن است که تا مغز استخوان پوسیده و ارتجاعی است. در اسلام زنان کشتزار مردان به حساب میآیند، حالا بدست آوردن این کشتزار با زور و سلب اراده یا با رضایت اجباری تحت نام ازدواج و عقد و صیغه! برسمیت شناختن حق اختیار زن بر تمایلات و احساسات و انتخاب در

قدم اول راه حل قطعی مسئله زن ستیزی است. امری که باید با واژگون کردن کل مناسبات نابرابر اقتصادی به یک برابری در تمام شئون اجتماعی متحول شود. حضور زنان در عرصه های اجتماعی بعنوان بخش حذف نشدنی جامعه و سیاست، الغای قوانین ارتجاعی و ضد زن، اعلام برابری بی قید و شرط زن و مرد همراه با کار آگاهگرانه در جامعه و در همه سطوح آموزشی و تحصیلی، از قدمهای اولیه در تغییر نگاه جامعه به زن و تفهیم مفاهیمی چون برابری و حق اختیار و انتخاب زن بر زندگی خویش است.

امروز زنان از تجاوز و افشای متجاوزین در فضای مجازی حرف میزنند. دیر نیست که مجدداً و علنی و آشکار در فضای واقعی و بصورت توده ای علیه حکومت زن ستیز به میدان بیایند و برای سرنگونی این رژیم ضد زن وارد نبرد آخر شوند.

۲۷ اگوست ۲۰۲۰

## در باره اعتراضات در کردستان عراق علیه فقر و بیکاری ...

نگاه کنید این را بوضوح دیده ایم. این را میدانم که قدرت کمونیسم و کارگر در کردستان ایران با کردستان عراق تفاوت دارد اما این کافی نیست. کارگران و زحمتکشان باید خود را متحد و متشکل کنند و شوراهای خود را برای دخالت در سرنوشت و آینده خود ایجاد کنند و اجازه ندهند احزاب راست و ارتجاعی از بالای سر مردم تصمیم بگیرند و با بند و بست و معامله با دولت های ارتجاعی مردم را از دخالت نقش آفرینی دور کنند.



ما در کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اطلاعیه ای در حمایت از اعتراض و مبارزه برحق مردم کردستان عراق منتشر کرده ایم و برای گسترش و تعمیق مبارزه و پیروزی کارگران و زحمتکشان در کردستان عراق، در کنار کمونیست ها و آزادیخواهان خواهیم بود.

۲۷ اوت ۲۰۲۰

\*\*\*

## جمهوری اسلامی عامل اصلی

### تجاوز و بی حقوقی ...

اسلامی عامل اصلی وجود تجاوز و سکوت قربانیان است.

اعلام طرح شکایت از امام وردی از طرف نیروی انتظامی بیشتر به شوخی شبیه است. نیروی انتظامی که ۴۰ سال حافظ حق متجاوزین بوده امروز ناگهان خواهان دادرسی و طرح شکایت زنان از فقط یکی از متجاوزین است. جبا در کشوری که ۴۰ سال است زنان مورد تجاوز کلامی و فیزیکی و جنسی آشکار و پنهان واقع شده اند و همزمان ۴۰ سال با دروغ مضمّن کننده "حرمت زن" روبرو بوده اند يك تك دستگیری این همه اهمیت پیدا میکند! شاید خیال کرده اند دستگیری کیوان امام وردی پرده ساتری برای حفظ موقعیت و جایگاه بقیه متجاوزین خواهد شد.

۴۰ سال است يك حکومت خشن و بیمار مذهبی در راس قدرت است که یکی از مهمترین ارکان حفظ حاکمیتش حذف زنان از عرصه فعالیت های اجتماعی و پایمال کردن حقوق ابتدایی آنان بوده، امروز میخواهد با پز قانون و شکایت از متجاوز به صحنه بیاید! این فقط میتواند نشان از قدرت به میدان آمده ای باشد که قصد سکوت بیشتر ندارد. مگر سعید طوسی را بازداشت و محاکمه کردید تا کیوان امام وردی را محاکمه کنید؟ مگر بقیه متجاوزین از دانشگاه تا مجلس در راس قدرت نیستند؟ مگر ازدواج کودکان ۹ ساله در قوانین شما مهر نایب نخروده، مگر این تجاوز نیست؟ مگر پونز زدن به پیشانی زنان بدلیل بی حجابی تجاوز به حقوق زنان نبود؟ مگر زنان بدلیل بی حجابی از دست نیروی انتظامی کتک نخروده اند، دستگیر نشده اند؟ از نظر شما این تجاوز به حریم شخصی افراد نیست؟ مگر سلمان خدادادی متجاوز نبود؟ حالا نیروی انتظامی دایه مهربانتر از مادر شده و فراخوان شکایت از امام وردی را میدهد؟ شما از نظر ما زنان حامیان و همدستان نه تنها کیوان ها و سعیدها بلکه همه متجاوزین به زنان هستید! کیوان امام ظاهرا در مسند قدرت ننشسته، نماینده مجلس نیست، استاد دانشگاه و رئیس فلان موسسه هم نیست، بهمین دلیل دستگیر شده! شما مهره درشتها را حفاظت میکنید و به سراغ اوباشانی میروید که ضرری از دستگیریشان متوجه شما و دستگاه قدرت نخواهد شد! زن و کودک در جامعه ای که جانان اسلام در راس و رهبری آن هستند فاقد هر نوع حق و حقوقی هستند حالا با دستگیری امام وردی فکر کرده اید مأوانی برای زنان مورد تجاوز واقع شده فراهم کرده اید؟ بعید نیست فردای دادرسی زنان سکوت شکسته را بجرم "شراب خواری و حضور در خانه مرد نامحرم" به محاکمه بکشید! به شما هیچ اعتمادی نیست، به خودتان مدال افتخار مقابله با تجاوز ندهید!

دستگیری یک متجاوز تحت فشار اعتراض همگانی زنان یک عقب نشینی حکومتی است. تا زمانیکه جانان اسلامی و حافظان سرمایه در قدرت هستند زنان تحت ستم و تبعیض و تحقیر خواهند بود. سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان رکن اصلی مبارزه با بی حقوقی و نابرابری،

## فاجعه پشت فاجعه

### تاسیس سد کارون و نابودی زندگی مردم

سعید یگانه

سد کارون ۳ یکی از بزرگترین سدهای ایران است که بر روی رودخانه کارون در ۲۸ کیلومتری شرق شهرستان ایذه در استان خوزستان احداث شده است. از زمان آغاز به کار تاسیس این سد از سال ۱۳۷۳ تا پایان و شروع به آب گیری آن در سال ۱۳۸۳، ۶۳ روستا و دهکده، جاده و پلهای ارتباطی یا زیر آب رفتند و یا در محاصره آبهای سد قرار گرفتند. تمام منابع درآمد و زندگی مردم این روستاها از زمینهای کشاورزی، دامداری و غیره نابود شدند و مردم این منطقه را آواره حاشیه شهرهای "ایذه و دهنز" و زندگی آنان را به نابودی سوق دادند. یک کوچ اجباری بدون احراز کوچکترین مسئولیتی در قبال زندگی این مردم. بنا به گزارش خبرنگار ایلنا روستائیان مهاجری که در جریان آبگیری سد کارون ۳ از خانه های خود محروم شدند، با ایجاد طبقه جدیدی در حاشیه شهرهای ایذه و دهنز، بدون هیچ سرپناه و معیشت جایگزینی به حال خود رها شدند.



عدم تعهد شرکت دولتی توسعه منابع آب و نیروی ایران در ترمیم جاده ها و پلهای ارتباطی میان روستاهایی که در محاصره سد کارون قرار گرفتند در سال ۹۲ درست ۹ سال بعد از تاسیس این سد خانمانسوز، در تاریخ چهارشنبه ۹ مرداد ۹۲ موجب غرق شدن یک مینی بوس در دریاچه سد کارون و مرگ ۱۲ زن و کودک شد. شرکت توسعه آب و برق به جای احداث راه سازی و پلهای ارتباطی، در عوض با قرار دادن یک "یدک کش" اوراق، به جابجایی مینی بوسهای مسافربری اقدام کرده است که در سانحه ای با واژگونی یکی از این مینی بوسها از درون کشتی "یدک کش" ۲ نفر زن و کودک در دریاچه سد غرق شدند و جان خود را از دست دادند. علاوه بر این در طی این سالها به دلیل عدم دسترسی سریع مردم در مواقع ضروری به امکانات پزشکی، درمانگاه، بیمارستان، دهها نفر به دلیل مریضی و سکنه های ناگهانی جان خود را از دست دادند.

داستان مردم محاصره در احداث سد کارون ۳ و آوارگی و کوچ اجباری مردم این روستاها به حاشیه شهرهای "ایذه و دهنز" بدون

تامین خسارت و تضمین حداقلی از معیشت و سرپناه، به اینجا ختم نشده و پایان درد و رنج مردم این منطقه نیست. کارون ۳ از رویا به کابوسی برای مردم این منطقه تبدیل شد و هست و نیست آنان را بر باد داد. برخلاف ادعاهای مقامات دخیل در این پروژه سنگین که از قرار معلوم می بایست آبادانی و تسهیلات زندگی از جمله برق و آب شرب و رونق



کشاورزی را برای مردم منطقه به ارمغان بیآورد تبدیل به عاملی برای نابودی زندگی مردم شده است. مردم این منطقه که گمان می کردند با ایجاد سد کارون ۳ بر روی رودخانه کارون، به زندگی آنان و به کشاورزی و دامپروری رونقی خواهد داد، به گفته این مردم نه تنها از اینها خبری نیست حالا باید در فاصله چند کیلومتری از رود، آب شرب خود را توسط چهارپایان از چاههای حفر شده و چشمه های طبیعی تامین کنند و یا روزانه ساعتها در انتظار تانکر آب در صف بمانند. مردمانی که به دلیل کوچ اجباری و کندن آنان از خانه و کاشانه و حداقلی از زندگی، حالا نه شغل و منبع درآمدی دارند و نه کمکی به آنها ارائه میشود. این سد به گفته مسئولین وزارت آب و برق دارای بزرگترین مخزن آبی و بزرگترین نیروگاه برق آبی در کشور است، اما مردم از کمبود آب آشامیدنی رنج می برند. شهر "ایذه" که در حد فاصل سدهای کارون ۳ و ۴ قرار دارد آب برای خوردن ندارند و هنوز از تانکر آب خریداری می کنند. مردم شهر "دهنز" به فاصله ۵ کیلومتری تا دریاچه عظیم سد کارون ۳، آب شرب خود را هنوز از طریق تانکرهای آب تامین می کنند. به گفته یکی از خبرگزاریها "رونق خرید آب در پر آب ترین شهر ایران!"

به گفته یکی از افراد محل، در یک روستای کوچک مثل قلعه سرد، سالیانه ۵ مورد اقدام به خودکشی داریم که دو مورد آن منجر به مرگ می شود. حالا این آمار را به کل منطقه که در این وضعیت گرفتار شده اند تعمیم دهید تا به عمق فاجعه پی برده شود. فشارهای اقتصادی، بیکاری و تشدید فقر بعد از احداث این سد به قول مردم محل "کارون را از یک فرصت به تهدید تبدیل کرده است". مردم منطقه برای فرار از فقر و تنگدستی و مشکلات بی شمار اقتصادی به خودکشی دست می زنند و به قولی کارون به قتلگاه اجباری مردم تبدیل شده است.

این تنها گوشه ای از درد و رنج میلیونها مردمی است که به دلیل بیکاری و عدم تامین حداقلی از معیشت از روستاها برای امرارمعاش به دنبال کار به حاشیه شهرها پناه می برند و یا همچنانکه شرح آن در بالا رفت با احداث چنین پروژه هایی مردم تنگدست روستاها بدون کوچکترین تسهیلاتی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود و به حاشیه شهرها رانده می شوند. مردم این روستاها که از حداقلی از امکانات زندگی برخوردار نیستند، حالا در حاشیه شهرها به یمن جمهوری اسلامی و منفعت طلبی و سود جویی عده ای قلیل، باید در رنج و مشقت زندگی کنند. اینها همان مردم فقیر و حاشیه نشینی هستند که در جریان اعتراضات ۹۶ و آبان ۹۸ در اعتراض به فقر و فلاکت و بیکاری به خیابانها ریختند و سینه خود را آماج گلوله مزدوران سرمایه و لاشخورها کردند. بقول مردم منطقه حجم بسیار زیادی از تولید برق نیروگاههای وابسته به این سد و حجم بالایی از آب شرب معلوم نیست به کجا می رود و به

## فاجعه پشت فاجعه

### تاسیس سد کارون و نابودی زندگی مردم...

کی فروخته می شود.

سد سازی، جاده سازی، تونل سازی و از بین بردن منابع طبیعی و جنگلها و تاسیس مراکز نظامی و آوارگی و کوچ اجباری مردم از روستاها و چپاول و دزدی و حیف و میل ثروت مردم توسط بنگاهها و قرارگاههای سپاه و بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و دهها موسسه وابسته بیت رهبری داستانی طول و دراز به اندازه عمر جمهوری اسلامی دارد که در نتیجه آنها جامعه ۸۰ میلیونی ایران را به فلاکت کشانده و منابع طبیعی و محیط زیست را دچار نابودی کرده است.

#### فاجعه پشت فاجعه

تخریب روستاها و ویران کردن حداقل سرپناه حاشیه نشینان شهر توسط اوباشان شهرداری تقریباً یک روتین در جمهوری اسلامی است و این جنایتها در حق مردم کارگر و زحمتکش تنها به این موارد محدود نیست. اخیراً "بنیاد مستضعفان" یکی از بزرگترین بنگاههای اقتصادی دولت سرمایه داری اسلامی روستای "ابوالفضل" در حد فاصل شهرک زردشت و پدافند کیشهر اهواز به بهانه اینکه این زمینها ملک بنیاد است و غیر قانونی به فروش رفته و اشغال شده است،

با حمله جنایتکاران اسلامی به قصد تخریب و آواره کردن مردم این روستا، با مقاومت مردم این اقدام وحشیانه نقش بر آب شد. روستای "ابوالفضل" دارای ۳۰۰ خانوار است و به مدت سه دهه است که در آنجا زندگی می کنند. روز چهارشنبه مجدداً نیروی انتظامی همراه ماموران بنیاد به این روستا حمله ور شد و اعتراض ساکنین را با گاز اشک آور و گلوله پلاستیکی جواب داد. آنها بدون هیچ شرمی میگویند جمعیت سیصد خانواری باید روستا را ترک کنند و جای دیگری بروند!

حکومت سرمایه داری اسلامی با بنیادها و بنگاهها و قرارگاههای بزرگ اقتصادی، اقتصاد کلان کشور را در دستهای خود قبضه کرده اند و عده قلیلی از وابستگان و آفازده ها و سرمایه داران نو کیسه بر این خان یغما نشسته اند و هست و نیست مردم را بالا کشیده اند. سفره رنگین این لاشخورها فقط از کیسه مردم، استثماری وحشیانه طبقه کارگر و به قیمت نابودی زندگی اکثریت مردم کارگر و تهیدست رونق پیدا کرده است. در جامعه ای که سود جویی و منفعت سرمایه و زبان زور حرف اول را میزند، ثروت و دارایی مردم حیف و میل می شود و فساد و دزدی میلیاردری قدرتمندان بر همه چیز سایه افکنده است، پروژه هائی چون سد کارون ۳ نه در خدمت مردم و تهیه امکانات و تسهیلات برای بهتر زیستن، بلکه در خدمت فربه شدن سرمایه داران عمل خواهند کرد. این مردم رنجیده چه چیزی برای گفتن دارند جز زبان اعتراض و نارضایتی از این بساط! جمهوری اسلامی یعنی فقر، فلاکت و بیکاری و زبان زور و اختناق. با سرنگونی این نظم وارونه تازه مردم کارگر و زحمتکش و محروم جامعه می توانند در جهت تامین آزادی، برابری و رفاه گامهای اساسی بردارند.

۲۷ آگوست ۲۰۲۰

## بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکار سازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

روزانه، محصول تامین مواد و کار و تولید و توزیع در کشورهای متعدد است.

اینکه روح عباس هویدا با شعار "ایرانی جنس ایرانی بخر" در نویسنده این متن حلول کرده یا فکر کرده علیه واردکنندگان شکر خارجی باید از تولید شکر داخلی حمایت کرد، بر من روشن نیست. نتیجه اما یکی است: دعوت از کارگران به حمایت از یک سیاست ناسیونالیستی، حمایت از سرمایه دار "خودی" و ایرانی، تقابل با بخش دیگری از طبقه جهانی کارگر که تولید می‌کند و محصولات کارش در بازار جهانی بفروش می‌رسد، یک عقبگرد تاریخی از نظر طرح سیاست و تاکتیک، و بدتر از همه یک هم آوایی شاید نسنجیده با بحث "جهش تولید داخلی" حکومت و خامنه ای است.

کارگران هفت تپه برای مقابله با سیاست‌های سرمایه داران و تامین منافع خویش، ناچارند سیاست کارگری را برگزینند. سیاست ناسیونالیستی تنها کارگر را به سرباز دون پایه بخشی از بورژوازی و آنهم عقب مانده ترین و مرتجع ترین نوع بورژوازی بدل می‌کند. مردم ایران اگر بخواهند "کالای خارجی" و "وارداتی" را تحریم کنند، باید تقریباً با بیش از نود درصد زندگی شان دربیفتند. فراخوان و شعار تحریم کالای خارجی و وارداتی شعاری ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با محصول کار طبقه شان در کره خاکی مشکل ندارند، با مالکیت و روابط سرمایه دارانه چه در ایران و چه هر جای دیگر بر ثروت اجتماعی دعوا دارند.

۲۷ اوت ۲۰۲۰

## "تحریم قند و شکر وارداتی!"

سیاستی غیر کارگری و ناسیونالیستی

سیاوش دانشور

در کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه مطلبی دریافتی منتشر شده که از مردم دعوت کرده قند و شکر وارداتی را تحریم کنند. آنطور که عنوان شده این اقدام به نفع اعتصاب کارگران هفت تپه و حمایت از راه افتادن تولید است.

این فراخوان نه بدرد کارگر می‌خورد و نه به نفع هر نوع اعتراض و اعتصاب کارگری است. این پرچمی ناسیونالیستی است که کارگر را هوادار تولیدات داخلی و مخالف تولیدات خارجی می‌کند. تحریم کالاها دوره ای سیاست چپ ناسیونالیست و باصطلاح ضد امپریالیست بود، اما این چپ همزمان طرفدار مرتجع ترین بخش‌های بورژوازی "ملی" و میهنی" بود.

سالها پیش شعار ناسیونالیستی مقابله با "واردات بی رویه" در متن جنگ و رقابت جناح ها توسط خانه کارگری ها مطرح می‌شد که به سرعت توسط کارگران به کناری نهاده شد. الان هم طرح چنین سیاست‌هایی توجه کسی را جلب نمی‌کند. چون از سر بی اطلاعی از دنیایی است که تولید در آن جهانی است و ساده ترین محصولات تماماً "وطنی" نیز واسطه غیر "وطنی" دارد. از ماشین زیر پای شما تا لباس و هر نیاز

زنده باد مجمع عمومی و اعمال اراده

مستقیم و مستمر کارگران!

کلیه زندانیان سیاسی بدون

تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیسٹ

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!